

بقلم آقای مهندس بازرگان

ضرب تبادلی مادیات و معنویات

در شماره پیش گفتیم : اینها حرفهائی است که
مادون یعنی منکرین معنویات میزنند فرض کنیم درست
باشد ما نمی ندادد ولی چه نتیجه میگیریم .

اولا معنویات صفات موهومی منشاء و اساس نیست. ناشی و نتیجه مادیات طبیعی است
پس لااقل همپایه با مادیات است .

ثانیا چون معنویات در نتیجه همان احتیاجات مادی حاصل شده تجسم و تظاهر
بسیار عمیق طولانی فعالیت های مادی است از لحاظ مادی هم که باشد بسیار ذقیمت
بوده بعنوان اعضای مولد منافع مادی قابل استفاده شایان میباشد .

ثالثاً احساسات معنوی چون خلاصه و عصاره میلیونها نفر در مدت میلیونها سال
فعالیت مادی میباشد که در سلولهای انسان متمرکز گردیده و محرک غرائز و احساسات
و اعضای مادی انسان است و چون منافع مادی فوق العاده بعنوان یک معدن
سرشاری از مادیات باید محسوب گردد .

حال میتوانیم آن ضرب تبادلی مطلوب را حساب کنیم : معنویات از جنس مادیات
اند . هر دو یکدیگر قابل تبدیل اند . یک عمر تاریخ بشر پشت اندر پشت فعالیت مادی
بتدریج این مراکز را بوجود آورده است و بصورت ملکات و غرایز معنوی ذخیره شده است
پس بطور متوسط مجموعه ملکات معنوی یک فرد بشر امر و زمساری است با حاصل ضرب
تعداد پدران او ضرب در ارزش مکتسبات مادی هر یک .

ملاحظه میکنید که نسبت یعنی مقدار عددی این ضرب کوچک نیست و ردیف همان

حاصل ضرب جرم در دینامی سرعت نور است که اینشتن برای تبدیل جسم به انرژی قابل شده است. معنویات در مقابل مادیات حکم مادیات را دارند در مقابل انرژی‌ها اتفاقاً همانطور که در عالم اجسام و انرژی هاتبادل وجود دارد سرمایه های مادی بطور مستقیم یا از طریق پول قابل تبدیل بیکدیگر میباشند معنویات نیز همجنس و همسنگ بوده بسموات بیکدیگر تبدیل میشوند.



حال این بحث پیش می آید که اگر مادیات و معنویات اصولاً از یک جنس و قابل تبدیل بیکدیگر اند تنها محل ظهور و بروز آنها متفاوت است کدام اصل است کدام فرع؟ آیا معنویات در وجود انسان تهیه و ذخیره میشود که در استخدام و استفاده هدف های مادی باشد یا بالعکس مادیات بهانه و وسیله ای برای تشکیل و تقویت معنویات هستند!

در بادی امر هر دو فرض قابل قبول است و نظر بیشتر به فرض اول میرود ولی اگر متوجه باشیم که مادیات یعنی خوراک و لباس و شهوت و سایر دارائیهای مادی جنبه موقت رهگذر را داشته خورده و پوشیده و مصرف و فراموش میشوند و از بین میروند بدون آنکه اثری باقی بگذارند ولی نتایجی که در اخلاق و در نفس و تربیت و شخصیت انسان از زد و خورد و تلاش های مادی حاصل میشود بطور نامحسوس ولی بطور مسلم باقی میماند آنوقت باید دید آیا چیزی را که رهگذر و موقت بوده پس از انجام مأموریت فانی میشود یا با داصل و اساس گرفت یا آن چیزی که پابرجا میماند و رفته رفته رشد میکنند و بزرگ میشود؟ آبی که در نهر جاری میشود و میرود با همه صفات ارزش آن اساس و هدف و مقصود باغبان است یا درختی که در جای مانده ریشه میدواند و شاخ و برگ بالا میدهد.

بلی دنیا با همه اشکال و سر و رویش فانی میشود و سطح زمین هموار خواهد شد آنچه باقی میماند شخصیت و ملکات و معنویاتی است که در نتیجه تلاش و فعالیت زندگی یعنی سعی و عمل در شخص تشکیل شده بیادگار میماند: «انا جعلنا ما علی الارض زینة لها»

لنبلوهم ایهم احسن عملا وانا لجالع لونا ما علیها صعیدا جزا . صورہ کھف آیہ ۸

✱ ✱ ✱

بحث سومی کہ پیش می آید : حال کہ معنویات دارای چنین مقام و ضرب شد چگونہ باید آنرا حفظ و بلکہ تحصیل کرد ؟

آیا باطر کردن مادیات ؟ دیدید کہ خیر . بدون ابتدای بہ مادیات و تعقیب آنها اصلا معنویت حاصل نمیشود مادیات از این لحاظ کہ تنها وسیلہ تامین معنویات میباشد بسیار عزیز باید شمرده شود ولی صرفا بہ عنوان وسیلہ نہ بعنوان هدف ، دائما باید مادیات را تحصیل کرد ولی فوری خرج نمود (مثل زکوٰۃ - انفاق - احسان) - آن اندازه از مادیات نگاہ داشت کہ چرخ فعالیت مادی دستگاہ معنی سازی نخواہد . بلکہ سریع تر وقوی تر و بر حاصل تر بگردن .

پس معنویات را باید از همان راه مادیات حفظ و زیاد کرد .

کسانی کہ از لحاظ منافع مادی و احتیاجات اجتماعی بہ حدودی از آداب و معنویات (یا بقول خودشان تربیت اجتماعی) علاقہ مندند نظر فوق را کاملا تصدیق میکنند ولی نباید اشتباه کرد و تصور نمود معنویت روی صرف منافع مادی و حساب سود و زیان تامین میشود این نوع معنویتها از نوع الفاظ و حرورف است بابادی می آید و بابادی میرود در حکم بوته بی ریشہ کہ روی سنگی گذاشته شدہ باشد است ، اتفاقاً معنویت همان تصادم با مادیات است . پابند معنویات بودن یعنی گذشت کردن از منافع مادی آنی شخصی و فدا کردن اغراض و احتیاجات شخصی .

- اگر جنبہ اجتماع را بگیریم و بگیریم نیروی اجتماع ارادہ خود را بصورت قوانین و مقررات و آداب اجتماعی معنوی و افراد تحمیل خواهد کرد باز درست در نمی آید . چون اول اجتماع انتگرال افراد است بنا بر این است کہ مصالح آنرا فرد فرد مردم تشکیل میدهند . محل بروز و ظهور متوسط صفات فردی میباشد . از یک اجتماع دزد و دروغگوی متملق بی برنسیب (مثل اجتماع خودمان) هیچوقت نمیتوان انتظار عکس العمل های کلی امانت و صداقت و شہامت و اصول پرستی را داشت . مسلما در چنین

اجتماعی بحکم همان قوانین اجتماع پشت هم اندازی و کلاهبرداری و خیانت و ارتشاء و فساد زواج بیشتر خواهد داشت. صلاح و حق و کمال حتماً مطرود و غریب خواهد ماند.

بنابر این خود را دلخوش بیک معانی و مبانی فریبنده نمیکنیم اجتماع البته روی یک فرد اثر میکند و او را تغییر می دهد ولی اجتماع که مسای متوسط افراد است روی فرد متوسط اثر نمیکند و بلکه هر فرد در جهت وضع متوسط جمع سوق میدهد -

حال بینیم معنویات طبعاً عملاً چگونه تا این شده اند ؟ دوره و دووجه دارد :

۱- وجه اعتقادی و دینی .

۲- وجه غریزی و طبیعی .

هر دو وجه منشاء و ریشه کاملاً مادی دارند اولی از لحاظ ایمان به ثواب و عقاب و دومی از لحاظ طبیعی و مادی بودن آن . اتفاقاً آن وجه از معنویات که در نتیجه اعتقاد دینی میباشد در غالب موارد ارزش و اثر کمتری داشته بیشتر تظاهری و سطحی (قشری) است و در عمل چه بسا از لحاظ تفاوت و ثبات و سوء خلق و کثافت و غرور آثار مخالف بر وز داده است البته بامتثنای آن ملکات و اخلاقیاتی که ما لازم بایمان عمیق صحیح و عشق دیقین باشعور باشد که اعلا درجه معنویات یک صحیح است .

معنویات غریزی که مخصوصاً در ادب و بائنها و مغرب زمین مشاهده میشود چون جنبه ساختگی و موقت ندارد بسیار ریشه دار و موثر است و همین صفات غرور ملی - مین پرستی - کنجکاری - علم دوستی - آزادیخواهی - شهامت - نوع پروری و غیره است که محرک و حافظ تمدن درخشان مغرب زمین گردیده است .

البته این یک وجهی از معنویات است که (متأسفانه از لحاظ ما) مثل سایر غرائز طبیعی بشری اکتسابی نیست و درد ما را دوامی کنند . تازه در خود مغرب زمین و بطور کلی در بشر بطوریکه میدانید غرائز روز بروز در حال انحطاط اند بزرگترین دشمن غرائز و احساسات عقل میباشد که از طریق شك و انتقاد تیشه بر ریشه هر چه عادات و ملکات است میزند . معنویات و عقل هر دو ناشی از فعالیت های مادی زندگی یعنی منبعث از مادیات

میباشد ولی بقول مادیون افراطی از آنجا که هر تزی آتی تزی خود را درست میکند مادیات هم بوسیله رشد دادن عقل سم ضد معنویات را که از خودشان می باشد ترشح کرده امروزه (یاد را آینده نزدیکی) بنیان معنویات را از بینخ سست مینماید .

- حال که ما با اروپائیها در خوشبختیها شریک نیستیم دلخوش باشیم که حد اقل در بدبختی آتیه نزدیک هم در دیم و مجتهد ما باید پی دوی مولد معنویات رویم .

البته معنویات را باید از طریق مادیات تقویت و تامین کرد . پی تکیه گاه مادی باید رفت . ولی تکیه گاه محکم ریشه داری که توانای تحمل این وزن ثقیل متمرکز را داشته باشد . منافع مادی آنی یک روز و حتی یک عمر ؛ یک فرد بهیچوجه کافی نیست تحمل چنین باری را داشته باشد .

معنویات را که از ملایو نه سال عمر بشر جمع آوری شده مبادی آن در زمان بینهایت گذشته کم میشود ، ناگزیر باید بایک مادیات دیگری که سر از زمان بینهایت تطویل آینده در آورد تامین کرد این همان اعتقاد به آخرت است . آخرت مادی جسمانی شخص وقتی بداند دوران سعادت و بهره برداری مادی به چندین سال عمر منحصر نمیشود و بلکه بعد از آن خواهد شد و تا بعد از آنده و محتاج به زندگی خواهد بود آنوقت مادتا و معنای پای بند معنویات خواهد شد . . .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله علمی انسانی

تذکر

باینکه کراداً گفته ایم مقالات وارده بایستی علمی و در یکطرف کاغذ باخط خوانا و با جوهر نوشته شده باشد تا در صورت تصویب هیئت تحریریه چاپ گردد . لذا باز بعضی از آقایان مقالاتی را باخط ناخوانا و با ماداد در هر دو طرف کاغذ نوشته شده میفرستند چنانچه درج نمیگردد تصصیر با خود نویسنندگان است نه ما